

Investigation of School Endowment  
Impact on the Education System (Period  
of Fath-Ali Shah and Naser al-Din Shah Qajar)  
Mohammad Ramezanpour  
Sara Zamani Ranjbar Garmroudi  
Department of history, Qeshm Payame Noor  
University

**Abstract**

After the Revolution, people paid special attention to culture and cultural developments. To this end, in this period, mosques, libraries and many schools were established and in various cities publishing had thrived and hundreds of books were published. Outstanding students travelled to different countries to study and a variety of different cultural associations were established. Endowment that in all periods of Islamic history stimulated the cycling of culture and with its assistant, numerous mosques, schools, libraries and research centers had been established, reached a different state in the Qajar era. On the one hand, cultural and social systems changed and modernity and innovation policy, covers the community and leads to the creation of new institutions in the society. On the other hand, by the newly established institutions, religious people with legal and religious reasons, didn't permit the revenues from the endowment to be paid for the construction of buildings and hence a serious conflict between modernization and tradition-oriented groups provoked. This paper tries briefly to review and analyze the endowment effect on cultural institutions in the Qajar era especially schools of that period.

**Keywords:** Qajar era, endowments, cultural institutions, education, schools.

بررسی تاثیر معروفترین مدارس موقوفه  
در نظام آموزشی در دوره فتحعلی شاه  
و ناصرالدین شاه قاجار

محمد رمضان پور<sup>۱</sup>

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور مشهد

سارا زمانی رنجبر گرمرودی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه پیام نور قشم

چکیده

پس از انقلاب مشروطه مردم به فرهنگ و تحولات فرهنگی جامعه توجه ویژه‌ای داشتند. به همین منظور، در این دوره مساجد، کتابخانه‌ها و مدارس فراوانی تاسیس شد و چاپ و نشر در شهرهای مختلف رونق یافت و صدها کتاب منتشر شد. دانشجویان ممتاز برای ادامه تحصیل به کشورهای مختلف سفر کردند و انجمن‌های فرهنگی متعددی با عنوان‌های گوناگون تاسیس شد. وقف که در همه دوره‌های تاریخ اسلامی، موجب رونق چرخه فرهنگ شده و به یاری آن، تعداد فراوانی مسجد، مدرسه، کتابخانه و مراکز پژوهشی بنا شده است، در دوره قاجار وضعیت متفاوتی می‌یابد، از یک سو نظام اجتماعی و فرهنگی در این دوره دگرگون شده و تجددخواهی و نوخواهی، جامعه را فرا می‌گیرد و باعث ایجاد نهادهای جدیدی در جامعه می‌شود، از سوی دیگر، با تاسیس نهادهای نوین، متشرعین به بهانه‌های شرعی، اجازه هزینه درآمدهای حاصله از موقوفات جهت ساخت این اماکن را نداده و از این رو کشمکش سختی، بین دو گروه تجدد خواه و سنتی گرا در گرفت. این مقاله تلاش می‌کند به صورت اجمالی، به بررسی و تحلیل تاثیر وقف در نهادهای فرهنگی عصر قاجاریه به ویژه مدارس آن دوره، بپردازد.

واژگان کلیدی: عصر قاجار، وقف، نهادهای فرهنگی، آموزش و

پرورش، مدارس.

<sup>1</sup>. Mh\_ramezanpour@yahoo.com

<sup>2</sup>. sara.zamani2011@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۵

## بررسی تاثیر معروفترین مدارس موقوفه در نظام آموزشی در دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار

مقدمه

بر طبق تعالیم اسلامی، انسان برای کسب رضای خدا و جانشینی وی بر روی زمین باید از جان و مال خویش در راه او بگذرد. یکی از راه‌های گذشت از مال، وقف آن است.

وقف کردن یعنی: ۱- منحصر کردن چیزی را به کسی یا چیزی، مخصوص کردن. ۲- زمین یا ملکی را در راه خدا حبس کردن (معین، ۱۳۷۱، ج ۴: ۵۰۴۸) و بنا به فتوای امام خمینی (ره) عین مال را حبس کنند؛ یعنی فروش و انتقال آن به غیر را ممنوع سازند و منافعتش را بطور رایگان در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار دهند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۹۹) بنابراین، معنای لغوی وقف، نگه داشتن و حبس کردن چیزی و معنای اصطلاحی وقف، نگه داشتن عین مال و مصرف عواید آن برای نیت واقف است.

وقف انواع مختلفی دارد که عبارتند از:

۱- وقف عام: وقف دارایی بر امور عام المنفعه مانند عباداری، احکام، کمک به نیازمندان جامعه، احداث مساجد، مدرسه، بیمارستان و غیره که جنبه همگانی دارد.

۲- وقف خاص: وقف مال بر فرزندان یا افراد خاصی از بستگان.

۳- ثلث مال: وصیت کننده مقدار معینی از مال را برای مصارف عمومی از آن محل قرار دهد.

۴- حبس مال: مالی را برای مدت نامحدود یا محدود حبس و در مصرف معینی هزینه کنند.

وقف را از منظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می-توان جزء مظاهر خاص رفاه و ترقی جامعه به شمار آورد. نتیجه طبیعی این امر، تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه است. دو عامل زیربنایی وقف که نقش

اساسی در توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارد، نیت وقف و مصرف آن می‌باشد. اصل و مبنای نهاد وقف، نیت وقف است و هرگونه تاثیرگذاری بر نیت واقف، آثار خود را بر نوع وقف و نحوه مصرف آن خواهد گذاشت و مسیر آن را در جهت رفع نیازهای واقعی جامعه تغییر خواهد داد.

مشروطیت ایران که بر اثر یک سری عوامل داخلی و خارجی در سال (۱۳۲۴هـ.ق/۱۹۰۶م) روی داد، تحولات اجتماعی و فرهنگی زیادی را به دنبال داشت و باعث تاثیر در سطوح مختلف جامعه ایران گردید و چون این تحول در عصر حاکمیت قاجاریه رخ داد، طبعاً این حکومت از پیامدهای آن بی‌نصیب نماند. در دوران انقلاب مشروطیت، نهادهای جدیدی مانند آموزش و پرورش نو، حذف مدارس و نظام آموزش سنتی و تاسیس نظام نوین آموزشی در سطح مختلف پدید آمد. وضعیت جدید بر روی نهاد وقف هم تاثیر خود را گذاشت. وقف که در گذشته، جایگاه کاملاً سنتی داشت، در این دوره، تحولات متفاوتی را تجربه کرده و پذیرای ساختار نظام جدید شد. این دگرگونی‌ها، باعث گسترش و توسعه هرچه بیشتر وقف شد. با بررسی‌های انجام شده، در طول تاریخ سه نوع کارکرد در انجام وقف مشاهده گردیده است:

۱- کارکرد فرهنگی - مذهبی. ۲- کارکرد اجتماعی. ۳- کارکرد آموزشی.

هدف، در این مقاله، بررسی کارکرد آموزشی وقف به ویژه در تهران دوره فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار است.

برای بررسی تحولات وقف در این دوره لازم است ابتدا نگاهی گذرا به ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی دوران قاجاریه و ساختار نهاد و جایگاه فرهنگ وقف در آن دوران پردازیم و سپس نقش وقف را در نهادهای فرهنگی این دوره بررسی نماییم.

ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی دوران قاجاریه و ساختار نهاد وقف در آن

کشور شد که در پی آن تقسیم ایران را بین دو کشور روس و انگلیس در پی داشت. (مصاحب، ۱۳۵۲، ص ۱۹۸۳) از ویژگی دیگر این عصر، توسعه نهادهای روحانیت و افزایش نفوذ اجتماعی آنها است. این ویژگی‌ها هر یک در افزایش موقوفات از یک سو و کاهش بهره‌دهی آن از سوی دیگر موثر بوده است. زیرا دولتمردان برای کسب جاهت و مقبولیت بیشتر، موقوفاتی را برای منافع عمومی یا منافع خانوادگی تعیین می‌کردند، نهادهای روحانی مثل مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها هم نیاز جدی و بیشتری به اوقاف داشتند. در نظام سنتی قاجار، اغلب نهادهای فرهنگی، حتی اگر دست اندرکاران حکومت بانیان آن بودند، در قالب وقف و متکی به نظام استوار وقف عمل می‌کردند. نظامی که از یک سو به صورت غیردولتی و از سوی دیگر، پس از اجرای عقد وقف، به صورت غیرخصوصی، عهده‌دار فعالیت‌هایی بودند که پیش از این در حیطه کار وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش (مدارس)، ساخت، حفظ و احیای آثار و بناهای مذهبی (مساجد) و اماکن فرهنگی (کتابخانه) بود. (همان، ص ۱۹۸۴)

نقش وقف در فرهنگ و آموزش و پرورش دوره قاجار

به طور کلی آموزش در دوره قاجار پیشرفت زیادی نداشت و اکثر مردم ایران بی‌سواد بودند، آن‌هایی هم که باسواد بودند، فقط خواندن، نوشتن و حساب کردن را می‌دانستند و هیچ‌گونه وسیله‌ی پرورش و رشد فکری برای اکثریت مردم در این زمان وجود نداشت. (شمیم، ۱۳۴۲، ص ۲۸۹) اما به تدریج نیازهای جدید فرهنگی در جامعه پیدا شد و جامعه از آن رکود و فقر فرهنگی که داشت به جنبش درآمده و بیشتر مردم، خواهان تعلیم و آموزش شدند. حتی مردم بی‌سوادی به دلیل احساس شرمی که از این جریان داشتند، فرزندان خود را برای تحصیل به مدارس می‌فرستادند. از این رو توجه به نهادهای فرهنگی بیش از پیش به عنوان یک

هریک از خاندان‌های حکومتگر در ایران، خط مشی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ویژه و متفاوتی داشتند که این خط مشی ناشی از ساختار قبیله‌ای آن خاندان، باورها، عقاید، فرهنگ و سنن موجود در آن خاندان بوده است.

پس از افول دولت صفوی، قاجاریان پا به عرصه حکومت گذاشتند و چون این دولت مانند صفویان، شیعه بود به طبع عالمان دینی هم در این حکومت تاثیر و نفوذ قابل توجهی داشتند و از آنجا که فضای مذهبی شدیدی بر جامعه حکمفرما بود، وقف نیز به عنوان یک جریان دینی از رونق بیشتری برخوردار شد. اما رونق وقف در این دوره، به چند عامل بستگی داشت: اول، اقتضائات اجتماعی. دوم، تلاش نهادهای دینی و فرهنگی.

چون شاهان قاجار مانند صفویه، مدعی تشیع بودند دست به اعمالی زدند تا شاید از این راه خود را در میان عموم مردم، موجه جلوه دهند و به همین منظور، موقوفات بسیاری داشته و به نهادهای روحانیت و طلاب در قالب وقف کمک می‌کردند. به هر حال، عملکرد دولت قاجار در مورد وقف را شرایط حاکم و چگونگی نگرش آن‌ها به این نهاد و ساختار قبیلگی آنان، تعیین می‌نمود. (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰، ص ۹۰)

پس از انتخاب تهران به عنوان پایتخت توسط آقامحمدخان قاجار در سال (۱۲۰۰هـ.ق) و پس از توسعه شهر در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰هـ.ق)، مدارس و مساجد فراوانی در این شهر بنا شد. با روی آوردن طلاب علوم دینی در دوره محمدشاه، به این شهر، حوزه علمیه بزرگی در پایتخت جدید ایران تاسیس شد. مدرسه سازی در سراسر دوره قاجار و نیز جمعیت روز افزون طلاب تهران، باعث پیشرفت فرهنگی این شهر شد. (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۶۳)

از ویژگی‌های دولت قاجاریه، افزایش ارتباط با دولت‌های اروپایی و بستن معاهداتی با این دول به ویژه انگلیس و فرانسه است. جنگ‌های طولانی بین ایران و روسیه در دوره فتحعلی‌شاه، باعث نفوذ شدید روس‌ها در دربار ایران و نیز مداخله‌های متقابل انگلستان در این

ضرورت مطرح شد. یکی از ابزارها برای رفع و پاسخ به این نیاز جامعه، وقف بود. افرادی که تمکن مالی و یا امکاناتی مثل زمین، ساختمان داشتند، آنها را براساس یک قرارداد شرعی در اختیار امور فرهنگی می گذاشتند. مثلا زمینی را برای ساختن مسجد یا مدرسه، وقف می کردند. (فراستخواه، ۱۳۷۴، ص ۳۱۰؛ الگار، ۱۳۶۲، ص ۵۰؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۲۴)

قبل از تاسیس دارالفنون، آموزش و پرورش به صورت فراگیر از جانب دولت مطرح نبوده است، چنانکه با ورود تکنولوژی غربی به ایران، حوزه‌های علمیه همچنان بر آموزش‌های محدود سنتی خود متکی ماندند و از تعلیم و تعلم مواد درسی که از هزارسال پیش بدان پرداخته بودند نه تنها پا را فراتر ننهادند بلکه در مقابل تاسیس مدارس به سبک جدید سرسختانه به مخالفت برخاستند و روحانیون روشنفکر را به غرب‌گرایی متهم ساختند. دولت برای موفقیت در این امر، دانشجویانی را به خارج، اعزام کرد و بدین ترتیب، مفهوم مدارس دولتی هویت پیدا کرد. البته در کنار این مدارس، حوزه‌های علوم دینی نیز فعال بودند و عالمان دینی در چگونگی ایجاد و اداره این مدارس با دولتمردان، اختلاف نظر داشتند. از آنجا که فعالیت مدارس آن زمان بیشتر جنبه نظری داشت، مردم با دید اقتصادی به آنها نگاه نمی کردند و انگیزه اصلی طالبان علم، نشر آن بوده است، البته این نیت به تدریج جنبه سوددهی پیدا می کند و دولتمردان سیاسی کشور، متوجه علوم و فنون غربی شده و به این گونه دانش‌ها روی می آورند. بنابراین دوره قاجاریه، یک دوره جدید و در عین حال استثنایی برای مدارس بود، زیرا علاوه بر مدارس قدیم طلبگی، مدارس جدید هم شکل گرفت، زیرا نظام تعلیم و تربیت جدید که سوغات غرب بود توسط تحصیل کردگان دیار غرب هم وارد ایران شده بود. مدارس موثر و مهمی مثل دارالفنون به وسیله امیرکبیر تاسیس شد که بعضا از موقوفات تامین می شدند. (تاج-بخش، ۱۳۸۰، ص ۸۳۰)

حاج میرزا یحیی دولت آبادی که خود از دانش آموختگان شیوه‌های سنتی مدارس قدیم روزگار قاجار و نیز از پیشگامان تاسیس مدارس جدید در دوره مظفردالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴هـ.ق) بود. درباره اینکه تلاش‌های جانکاه او و همفکرانش در اصلاح و بهبود بخشیدن وضع نایسامان نهادهای آموزشی و برنامه‌های معمول در آن، ناکام و نافرجام مانده، نوشته است: «...اما اوضاع معارف در این ایام، نه از شورای معارف کاری ساخته می شود و نه از وزارت علوم و نه بر سعی و کوشش نگارنده اثری مترتب می گردد و عمده این است که به واسطه اغتشاش امر مالیه دولت، حقوق ارباب حقوق چندماه تاخیر شده و کسر و نقصان می یابد... اینک می خواهم در موضوع مدارس قدیم مملکت... شرحی بنویسم. وضع طلاب علوم دینی در این مملکت بد شده و صورت ناپسندی به خود گرفته، تمام مدارس مذهبی که بیشتر آنها دارای موقوفات و بعضی از آنها موقوفه بسیار دارد پر است از طلاب... گاه می شود یک شخص در تمام مدت عمر به عنوان طلبگی در مدرسه، حجره دارد و چون از دنیا می رود حجره مزبور به ضمیمه سهم او از موقوفه، میراث به پسرش می رسد... و این مفسده البته در مدارس بزرگ که حجره‌های عالی و موقوفه زیاد دارد، بیشتر دیده می شود، مانند مدرسه چهارباغ اصفهان... و مدرسه صدر اصفهان که حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی بنا کرد و مدرسه خان مروی تهران و مدرسه سپهسالار جدید... تولید مدارس دینی هم به استثنای مدرسه ناصری (سپهسالار) که با شاه وقت است در خانواده‌های روحانیون میراث می گردد و متولیان اغلب از حیف و میل نمودن مال موقوفه دریغ نمی دارند...» (دولت آبادی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۳۴۴-۳۴۵)

در زمان قاجار، زنان ثروتمندی مانند جهان خانم ملقب به مهدعلیا، از نوادگان دختری فتحعلی شاه (دختر اعتضادالدوله امیرمحمد قاسم خان قاجار قوالمو) موقوفاتی داشتند. مهدعلیا به خط خودش در وقف نامه‌ای، مدرسه و مسجد دروازه دولت را در تهران وقف نمود. در اصل، پدرش اینجا را وقف کرده بود و مهدعلیا با وقف شش

بحث و درس علوم حکمی دائر شده بود، در درگیری‌های انقلاب، سنگر روحانیون موافق و مخالف مشروطه شد و هریک دیگری را به غصب موقوفات مدرسه متهم می‌کردند. با این همه بسیاری از طلاب مدرسه، همگام با طلاب مدارس صدر و دارالشفاء از جمله مجاهدانی بودند که برای تحقق مشروطیت، مشارکت فعال داشتند. (ناظم-الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۳۷۴-۳۷۵؛ سعدوندیان، ۱۳۶۸، صص ۳۸-۳۹)

این مدرسه، وقف‌نامه جامعی دارد و شامل شش بخش می‌شود که بخش دوم آن مربوط به املاک موقوفه مدرسه می‌شود. وقف‌نامه مدرسه، جزء کتاب‌ها و نوشته‌های خان مروی در دربار قاجار بوده که چون فرزندی نداشته به کتابخانه شخصی شاهزاده اعتضادالسلطنه انتقال یافته است. این وقف‌نامه اکنون در مدرسه عالی سپهسالار (مطهری فعلی) است که در سال (۱۳۴۸ هـ.ش) یک نسخه از روی آن را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران عکسبرداری شده و تفصیل این وقف‌نامه در مجله مسجد، تحت عنوان «مسجد و مدرسه مروی» نوشته شده است. (میرمحمدصادق، ۱۳۷۷، صص ۷۰-۸۳)

این مدرسه در نظام طلبگی و ساختار روحانیت شیعه، موثر بوده است و از نظر دارا بودن اساتید برجسته و رشته‌های تحصیلی نسبت به سایر مدارس وضعیت بهتری داشته است و جزء مدرسه‌های فعال و موفق بوده است. در وقف‌نامه این مدرسه، مواردی مثل نکات زیر آمده است:

۱. «محصلین علوم شرعیه که مدرسه وقف است بر ایشان، باید ساعی باشند در تحصیل علم و هرگاه کسی است که نباید درس بخواند، در تدریس و تالیف کوتاهی ننماید.

۲. آنکه طفل غیر ممیز را در مدرسه جای ندهند و صبّی ممیز را نیز در هر حجره زیاده از یک نفری نیز جای ندهند.

۳. آنکه با وجود امکان، در هر یکی از حجرات، هر شب یک نفر از محصلین، بیتوته کند که حجره خالی نماند.

هزارتومان به بازسازی آنجا مبادرت ورزید و نه هزار تومان برای خرید املاک اطراف مدرسه و توسعه آن پرداخت. (خان محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲) حاجیه هاجر خاتون خانم (ملقب به جدید الاسلام، همسر حاج محسن بازرگان تهرانی بود)، شرف نساء خاتون (دختر حاجی-گرگین بیگ، ملّاک معروف) و حاجیه خاتون خانم، ملقب به حاجی وزیر (دختر فردی اشرافی به نام اسماعیل بیگ بوده است) و دخترش حاجیه سارا سلطان خانم (همسر محمد ابراهیم نواب، بدایع نگار معروف بود) از دیگر زنانی بودند که در این دوره به امر وقف پرداختند. (بامداد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۱) و تهیه کتب درسی مورد نیاز محصلان، حفظ قرآن و پرداخت کمک هزینه تحصیل و زندگی طلاب علوم دینی، تعمیر ساختمان مدارس را در وقف‌نامه‌های خود آورده‌اند. (ورنر، ۱۳۷۸، صص ۱۱۵-۱۱۸) از اسناد به جا مانده چنین برمی‌آید که املاکی را که این زنان وقف کرده‌اند، عمدتاً از پدران یا شوهران فوت شده خود به ارث برده بودند. دلیل احتمالی دیگر آنان برای این کار، مرگ خویشاوند مذکر و در نتیجه از دست دادن پشتیبان خانوادگی در حفاظت از املاک مذکور بود که برای حفظ ملکشان از خطر غصب یا حیف و میل شدن، آن را از طریق وقف به تاسیسات مذهبی انتقال می‌دادند. (ورنر، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶)

مدارس تهران

مدرسه خان مروی<sup>۱</sup>

نخستین مدرسه‌ی عصر قاجار با پشتوانه موقوفات میرزا حسین خان مروی ملقب به فخرالدوله یا فخرالملک (م ۱۲۳۴ هـ.ق) در دوران فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هـ.ق) دایر شد. (مصطفوی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۸۶) این مدرسه در انتساب به او به مدرسه خان مروی یا مدرسه فخریه شهرت یافته است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۶۹) به احتمال زیاد احداث بنای آن که در سال (۱۳۲۸ هـ.ق) آغاز شده بود در فاصله سال‌های (۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ هـ.ق) به پایان رسید. (استادی، ۱۳۷۱، ص ۴) این مدرسه که برای

<sup>۱</sup>. واقع در خیابان ناصرخسرو، کوچه مروی.

۴. هریک از طلبه با عدم عذر شرعی هرروزه اقلا یک حزب کلام الله مجید تلاوت کنند.

۵. آنکه کتابی از کتب موقوفه را خواه از اهل مدرسه و خواه خارج، احدی بی‌اذن متولی و ناظر و اطلاع مدرس و جمعی از ثقات طلبه بیرون نبرند و با اذن و اطلاع هم پیش از یک شبانه‌روز در خارج نگاه ندارند، مگر متولی، که با مصلحت شرعیه زیاده براین هم می‌تواند.

۶. آنکه طلبه در دادن کتاب به یکدیگر مضایقه نکنند، و مهما ممکن کتب را معطل نگذارند و در حفظ کتب و فروش [جمع فرش] و ظروف، اهتمام بلیغ کنند و اگر کتابی یا فرشی یا ظرفی به تفریط من هی فی تصرفه یا غیر، تلف یا معیوب شود متولی با امکان، قیمت یا ارزش را از مفراط استیفا نموده در اصلاح یا تحصیل مثل مهما ممکن، صرف کند». (استادی، ۱۳۷۵، ص ۶۰)

در وقف‌نامه این مدرسه مواردی مثل املاک فراوان در چند قریه، املاک در تهران در جنب مدرسه و چندین دکان در تهران به چشم می‌خورد. (همان، صص ۶۸-۷۰) به نظر می‌رسد که با یک طرح اقتصادی صحیح و منطقی می‌توانستند آنها را تبدیل به واحدهای درآمدزا نمایند تا طلاب مجبور نباشند با گرسنگی روز را به شب و شب را به روز آورند و استادان به دلیل نداشتن هزینه نتوانند فعالیت‌های علمی ارزشمند نمایند ولی دکان‌دارها روز به روز متمادی تر شده‌اند.

تولیت این مدرسه از آغاز بر عهده شاهان قاجار و روحانیون طراز اول تهران مانند: حاج میرزا مسیح استرآبادی (م ۱۲۶۳-۱۲۶۴ هـ.ق)، حاج میرزا محمد اندرمانی تهرانی (م ۱۲۸۲ هـ.ق)، حاج ملاعلی کنی (م ۱۳۰۶ هـ.ق)، میرزا زین العابدین خاتون آبادی، امام جمعه تهران (م ۱۳۲۱ هـ.ق)، حاج میرزا حسن آشتیانی (م ۱۳۱۹ هـ.ق) بوده است. پس از مرگ میرزا حسن آشتیانی تا درگذشت آیت الله حاج میرزا باقر آشتیانی (م ۱۴۰۴ هـ.ق) تولیت مسجد و مدرسه مروی در خاندان آشتیانی باقی مانده است. (استادی، ۱۳۷۵، صص ۴۶-۴۷)

مدرسه صدرجلوخان مسجد شاه تهران

این مدرسه به احتمال زیاد، دومین مدرسه ساخته شده در تهران عصر قاجار است که در جلوخان مسجد سلطانی (مسجد امام) قرار داشت. بانی آن میرزا شفیع مازندرانی (م ۱۲۳۴ هـ.ق)، صدراعظم فتحعلی‌شاه در بین سال‌های (۱۲۱۵-۱۲۳۴ هـ.ق) است. (بامداد، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۷۰) تاریخ بنای این مدرسه در سال (۱۲۲۴ هـ.ق) بوده است. از سرگذشت مدرسه صدر، استادان و دانشجویان و موقوفاتش تا اواخر سده سیزدهم (۱۲۹۴ هـ.ق) که آقای محمدرضا قمشه‌ای در آن به تدریس پرداخت، اطلاع دقیقی در دست نیست. (قیصری، ۱۳۵۷، مقدمه، ص ۸)

در انقلاب مشروطه، طلاب مدرسه صدر با همکاری طلاب مدرسه دارالشفاء به صف انقلابیون پیوستند و در سال (۱۳۲۳ هـ.ق) سی نفر از آن‌ها در اعتراض و مخالفت با افراد طرفدار شاه وقت و در حمایت از آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی برای پیوستن به متحصنین در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) به ری رفتند. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ملک زاده، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۷۴)

#### مدرسه دارالشفاء

تاریخ بنای آن به اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ هـ.ق) برمی‌گردد. این مدرسه را در آغاز، برای بیمارستان ساختند، از این رو به دارالشفاء معروف شد. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۳۰۹) از گزارش اعتمادالسلطنه چنین بر می‌آید که دارالشفاء، پیش از مسجد جامع جدید دارالخلافه بنا شده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۲۰۵-۲۰۶)

از فعالیت‌های درمانی و بیمارستانی دارالشفاء در روزگار فتحعلی‌شاه، و اینکه به دلایلی نامعلوم این مرکز درمانی به مدرسه تبدیل شده است، اطلاعی در دست نیست. (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۱)

از محصلان مشهور مدرسه دارالشفاء، میرزا طاهر منشی اصفهانی، متخلص به شعری (۱۲۲۴-۱۲۷۰ هـ.ق) مولف کتاب ادبی «گنج شایگان» بود. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ هـ.ق/ ۱۹۸۳ م، ج ۱۸، ص ۲۳۸) شیخ

این همه به هنگام مهاجرت مشروطه خواهان به شهر ری و بست نشینی آن‌ها در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در اعتراض به دخالت‌های عین‌الدوله صدراعظم مستبد و امام جمعه تهران، طلاب مدرسه دارالشفاء به رغم ریاست و تولیت امام جمعه بر این مدرسه به صف مهاجران پیوسته، پیشرو طلاب دیگر مدارس در نهضت مشروطه شدند. (هدایت، خاطرات و خطرات، ۱۳۶۳، ص ۱۰۲؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۲ و صص ۲۸۴-۲۸۵؛ ملک زاده، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۷۴)

#### مدرسه دارالفنون

بنای این مدرسه در دوران ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ.ق) و در دوران صدارت میرزا تقی‌خان (امیرکبیر) (۱۸۴۸-۱۸۹۶) و به دستور او در سال (۱۲۶۶ هـ.ق) آغاز شد و طرح و نقشه آن به وسیله میرزا رضا مهندس‌باشی، (شمیم، ۱۳۷۰، ۱۶۳) با تصور کلی که از عمارت سربازخانه ولیچ انگلیس، داشت ساخته و بنای آن را در سال (۱۲۶۷ هـ.ق) به اتمام رسانید. (یغمایی، ۱۳۶۷، صص ۴۶-۴۷؛ هدایت، گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت، ص ۱۲۰) اعتمادالسلطنه درباره تاسیس این مدرسه در ذیل اخبار سال (۱۲۶۷ هـ.ق) می‌نویسد: «در این سال در ارگ همایون، مدرسه مبارکه دارالفنون ساخته شد. اگرچه شروع به ساختن و اقدام به بنایی این محفل منیف و مکان رفیع فی‌الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال خجسته فال ساخته آمد. طرح این بنا را میرزا رضا مهندس‌باشی کرد و به معماری محمدتقی‌خان معمارباشی بنا نمودند و سمت شرقی آن را به اتمام رسانیدند و معلمین از برای تعلیم علوم جدید و انکشاف تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۷۱۹) این مدرسه سیزده روز قبل از قتل امیرکبیر در روز یکشنبه پنجم ربیع الاول سال (۱۲۶۸ هـ.ق)، به وسیله ناصرالدین شاه و به ریاست رضاقلی‌هدایت (صاحب مجمع الفصحاء)، با هفت معلم اتریشی و عده‌ای از دانشمندان

محمدحسن طالقانی (۱۲۸۷-۱۳۷۱ هـ.ق) از علمای بزرگ تهران، نیز در این مدرسه، فقه و اصول درس می‌داد. (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۴، صص ۵۰۶-۵۰۷)

میرزا حسن زواره‌ای اردستانی معروف به جلوه (۱۲۳۸-۱۳۱۴ هـ.ق) فیلسوف، ادیب و شاعر پرآوازه عصر قاجار پس از سال‌ها تحصیل علوم رایج عصر خویش در اصفهان، از سال (۱۲۷۳ هـ.ق) به تهران آمده و تا هنگام مرگ (۱۳۱۴ هـ.ق)، چهل و یکسال در مدرسه دارالشفاء به تعلیم شاگردان بسیار، اشتغال داشته است. ظاهراً گزارش مهدی بامداد از چگونگی تامین گذران زندگی جلوه از محل عایدات املاک موقوفه اجدادی و نداشتن موقوفه مدرسه دارالشفاء درست نیست. چون جلوه یکی از دلایل سفر خود از اصفهان به تهران را «شیوع تهیدستی» و اقامت در مدرسه دارالشفاء را «عدم قدرت بر منزل علیحده» نوشته است. (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹، ص ۱۶۱) از این گذشته شورش طلاب مدرسه دارالشفاء بر امام جمعه وقت تهران (میرزا ابوالقاسم پسر زین العابدین امام جمعه منصوب شاه) بر سر غصب موقوفات مدرسه هم‌زمان با نهضت مشروطه، (هدایت، خاطرات و خطرات، ۱۳۶۳، ص ۱۰۲) و دیگر اینکه این مدرسه از بناهای دولتی و ساخته شده به فرمان شاه وقت بوده که از موقوفات قابل توجهی برخوردار بوده است. (جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار، ۱۳۳۸، ج ۳، صص ۳۱-۳۲)

اعتراض‌های مکرر طلاب دارالشفاء نسبت به اختلاس موقوفات مدرسه و نیز همکاری با مشروطه خواهان از جمله فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها بوده است.

تولیت موقوفات مدرسه دارالشفاء در اواخر حکومت استبدادی با میرزا ابوالقاسم، امام جمعه تهران و از حامیان حکومت استبدادی بوده است. در سال (۱۳۱۴ هـ.ق) که طلاب دارالشفاء از آزادی‌های نسبی انقلاب مشروطه بهره گرفته بر امام جمعه شوریدند و پیشوایان مشروطه از روحانیونی چون: آقا سید عبدالله بهبهانی، میرزا حسن آشتیانی و چند تن از دیگر بزرگان روحانی دست امام جمعه را از دخالت در موقوفات دارالشفاء کوتاه کردند. با

نامه، اکنون موجود نیست، اما رونوشتی از آن به تاریخ (۱۳۰۷هـ.ق) در کتابخانه موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. رونوشت دیگری از این سند در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه به شماره پرونده ۳۱ تهران وجود دارد.

این وقف‌نامه در یازده فصل تنظیم شده و دارای سه سجل اصلی و هفت تاییدیه رونوشت برداری است و فصل ششم آن مربوط به تعیین متولی کتب موقوفه مخصوصه طلاب و مدرسه و غیرمخصوصه به ایشان و تعیین کتاب‌دار و بیان شرایط متعلقه به این باب می‌شود. در این فصل آمده: «جناب مستطاب واقف- زید اجلاله- تولیت کتب موقوفه به طلاب مدرسه و غیرمخصوصه به ایشان را نوعاً به مدرس مدرسه مذکوره تفویض فرموده‌اند و به جهت حفظ و رسانیدن کتب به اهل استحقاق از موقوف علیهم کتاب‌داری مقرر فرموده‌اند. و عزل و نصب کتاب‌دار با مدرس مذکور است و کتاب‌دار باید کمال اهتمام را در حفظ کتب مرعی دارد و به هرکس که بسپرد به تصدیق مدرس بسپرد و بدون قبض نسپرد و هر یک از طلاب که از کتب موقوفه تفریط نماید یا آنکه زاید بر آنچه در متعارف استعمال از جلد و اوراق معیوب می‌شود معیوب کند، از عهده قیمت یا مرمت باید برآید.

و مدرس در راس هر شش ماه باید در کتابخانه حاضر شود و کتب را استرداد نموده بازدید نماید و هریک که محتاج به مرمت باشد مرمت نماید و موقوف علیهم از طلاب کتب موقوفه مخصوصه به ایشان را دوشبانه روز بیشتر در خارج مدرسه نگاه ندارند و کتب موقوفه مخصوصه به طلاب و غیر مخصوصه به ایشان باید در کتابخانه مدرسه مضبوط باشد نه در جای دیگر؛ مگر آنکه مدرس مذکور با مصلحت شرعی و یا از بابت احتیاج رجوع و مطالعه- احتیاجی عادی عرفی- می‌تواند که در منزل خود نگاه‌داری نماید. و هریک از موقوف علیهم که از کتب موقوفه فارغ باشد به دیگری که محتاج باشد تفویض نماید». (کازرونی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۱-۱۲۲)

۱۲۲ و ص ۱۲۹)

فرانسوی، هلندی و لهستانی که از سابق در ایران بودند و چند نفر مترجم که از میان محصلین اعزامی به فرانسه در سال (۱۲۶۶هـ.ق) انتخاب شده بودند، رسماً افتتاح شد. (آدمیت، ۱۳۵۴، ص ۷۳۰؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۴، ص ۲۶۳) این مدرسه، بیش از چهل سال با همان اصول اولیه‌اش دایر بود و عده زیادی از دانشمندان را در هر فنی آماده ساخت و نهضت علمی مهمی را در نیمه دوم قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری در ایران فراهم آورد. (سازمان اسناد ملی ایران، اسناد معارف (الف)، پاکت ۳۰۷۶)

#### مدرسه سپهسالار قدیم<sup>۱</sup>

این مدرسه به فاصله اندکی پس از مدرسه خان مروی (در قسمت شرقی این مدرسه) و در انتهای بازارچه مروی در محله حیات شاهی کوی عودلاجان بنا شده است. (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۶۰۶؛ صدوقی‌سها، ۱۳۵۹، صص ۱۵۵-۱۵۶) بانی این مدرسه، میرزا محمدخان سپهسالار قاجار (م ۱۲۸۳-۱۲۸۴هـ.ق) که مدتی وزیر جنگ و صدر اعظم ناصرالدین شاه بود و پس از آن تا پایان عمر، والی خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی شد. (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۲۸-۲۳۲) محمدخان سپهسالار، احتمالاً این مدرسه را قبل از سال (۱۲۷۷هـ.ق) ساخته است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱۷؛ بلاغی، بی‌تا، ص ۱۷۸) در انتساب او به مدرسه سپهسالار قدیم در برابر سپهسالار جدید (ساخته میرزا حسین‌خان سپهسالار قزوینی) معروف گردید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۹۵۸) مدرسه سپهسالار قدیم، از نظر معماری از بناهای خوب سده سیزدهم هجری قمری است. (بلاغی، ۱۳۵۰، ص ۱۵۶)

محمدخان سپهسالار برای این مدرسه، موقوفات بسیاری در نظر گرفته بود به طوری که استادان و طلاب شاغل به تحصیل و مقیم در آن، از محل درآمد این موقوفات روزگار می‌گذراندند. تاریخ تنظیم اصل سند وقف نامه، سال (۱۲۸۳هـ.ق) است. متأسفانه اصل وقف

۱. واقع در خیابان ناصرخسرو، کوچه مروی.



موقوفات بود که همه از محل درآمد آن مستمری می- گرفتند.

تولیت عالی این مدرسه، بنابر نص واقف به سلطان وقت سپرده شد و نیابت تولیت و تدریس در آن از آغاز بر عهده دانشمندان علوم دینی و روحانیون بنام دوره قاجار چون: حاج میرزا ابوالفضل مجتهد کلاتر تهرانی (م ۱۳۱۶هـ.ق)، حاج صدرالدوله (م ۱۳۵۳هـ.ق)، آقامیرزا حسن صدرالعلماء (م ۱۳۳۶هـ.ق)، عضدالملک قاجار (م ۱۳۲۸هـ.ق)، ابن الشیخ و آقا سیدحسن- مدرس (م ۱۳۱۷هـ.ش)، ظهیرالاسلام و آیت الله حاج شیخ محمد جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳هـ.ق) بود. (سحاب، ۱۳۲۹، صص ۱۱۳-۱۲۴)

#### مدرسه معمارباشی

مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی مشهور به صنیعیه در خیابان ۱۵ خرداد، کوچه امام زاده یحیی واقع شده است. واقف و بانی آن حاج ابوالحسن معمارباشی ملقب به صنیع الملک است. این بنا در سال (۱۳۰۳هـ.ق) ساخته شد. حاج ابوالحسن در سال (۱۳۰۵هـ.ق)، در دربار ناصرالدین شاه، منصب معمارباشی گری و لقب صنیع الملکی داشت. وی از جمله معمارانی است که در تاریخ معماری سده های اخیر، نقش مهمی داشته است. وقف نامه این مدرسه، بنابر شیوه رایج و به منظور در امان ماندن اسناد از دست برد و نابودی، در هنگام تنظیم سند، تعداد نسخه های تهیه شده از هر سند، که همه در حکم سند اصلی هستند، معمولا در بالای سطر اول و یا در میان سطر اول و دوم به خط سیاق یا نسخ نوشته می شده است. در این وقف نامه، علاوه بر ذکر تعداد نسخه در پایان وقف نامه، به محل نگهداری هر کدام نیز اشاره شده که عبارتند از: ۱. نزد واقف. ۲. نزد متولی ثانی. ۳. کتابخانه مدرسه واقف. ۴. کتابخانه مدرسه مروی. ۵. کتابخانه حضرت عبدالعظیم. ۶. کتابخانه حضرت رضا (ع). (شیخ الحکمایی، ۱۳۸۱، ص ۲۵)

رونوشتی از وقف نامه این مسجد مدرسه نیز به شماره ۷۱۴- تهران در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و

بخشی از موقوفات این مدرسه، اکنون دایر است و طبق نص وقف نامه صرف حقوق متولی، مدرسان و امام جماعت مدرسه می شود. این مدرسه نیز کتابخانه بزرگی دارد و رسیدگی به کار کتابخانه و کتابدار طبق نظر واقف بر عهده مدرس و مدرسه بوده است. همچنین حفظ، نگهداری و امانت دهی و زمان تحویل و شیوه کتابداری در وقف نامه به تفصیل ذکر شده است. موقوفات این مدرسه در آشوب های عصر مشروطه مورد غصب قرار گرفته است. مدرسه سپهسالار قدیم، در حال حاضر نیز دایر است و با عنوان «حوزه علمیه شهید بهشتی» به فعالیت آموزشی خود ادامه می دهد. (میرمحمد صادق، ۱۳۷۷، صص ۸۶-۹۷)

#### مدرسه سپهسالار جدید (شهید مطهری)<sup>۱</sup>

مدرسه سپهسالار یا مدرسه سلطانی یا ناصری (منسوب به ناصرالدین شاه) را میرزا حسین خان قزوینی سپهسالار ساخته بود و در برابر مدرسه سپهسالار قدیم به مدرسه سپهسالار جدید شهرت یافت. (که پس از انقلاب اسلامی، نام شهید مطهری را بر آن نهاده اند). (سحاب، ۱۳۲۹، صص ۳۳) ساخت آن در سال (۱۲۹۶هـ.ق) آغاز شد و تا زمان فوت موسس آن در سال (۱۲۹۸هـ.ق) به پایان نرسیده بود. پس از او برادرش یحیی خان مشیرالدوله، کار اتمام بنا را دنبال و تا پایان کار بر احداث آن نظارت نمود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۲۷۸؛ کرزن، ۱۳۶۷-۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۳۵)

حسین خان قزوینی سپهسالار از معدود دولتمردان با کفایت عصر قاجار بود که به خاطر پای بندی به اصول اعتقادی و مذهبی و همچنین چون فرزندی نداشت، در صدد برآمد تا از محل ماترک شخصی خویش این مدرسه را برای آموزش علوم معقول و منقول تاسیس کند و کتابخانه های مجهز به انواع کتاب در این مدرسه موقوفه، قابل ملاحظه بود. از دیگر اقدامات وی در این مدرسه، در نظر گرفتن خدمه بخش اداری و آموزشی

<sup>۱</sup> واقع در میدان بهارستان، جنب ساختمان مجلس شورای اسلامی

دارالفنون در رشته نظام بوده و با درجه سرتیپی، مدیریت این مدرسه را بر عهده داشته است. این مدرسه در محل دادگستری (ساختمان مرکزی فعلی) قرار دارد. فیروزکوهی، نخست مدرسه را برای آموزش و نگهداری کودکان بی بضاعت، تاسیس و اموال خود را بر آن وقف کرد. چندسال بعد، مرکز آموزش‌های نظامی و به مدرسه «نظامی ناصری» معروف شد. دکتر محمدخان کرمانشاهی، مدرس طب این مدرسه بوده است. (بامداد، ۱۳۷۸، ج ۳، صص ۱۷۵-۱۷۶؛ محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۸۹ و ج ۲، ص ۱۱۰۱) مدرسه دروازه دولت<sup>۱</sup>

این مدرسه را جهان خانم ملقب به مهدعلیا، از نوادگان دختری فتحعلی‌شاه (دختر اعتضادالدوله امیرمحمد قاسم خان قاجار قوانلو) در وقف‌نامه‌ای به خط خویش در تهران وقف نمود. او زنی سیاست‌پیشه بود چنانکه با درگذشت محمدشاه و فرار و تحصن حاج میرزا آقاسی، قدرت عملاً به دست مهد علیا و طرفدارانش افتاد و این زن مدت چهل روز تا رسیدن فرزندش ناصرالدین‌شاه به پایتخت، امور حکومت را به دست داشت. اسنادی از اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه در دست است که در آنها هم اثر مهرشاه جوان و هم مادرش، مهد علیا، به چشم می‌خورد و این حاکی از آن است که تا مدت‌ها بعد نیز مهدعلیا در امور مربوط به سلطنت اشتراک داشته است.

در وقف‌نامه این مدرسه، واقف مبلغ شش‌هزار تومان را در مدت دوازده سال برای بازسازی مدرسه‌ای که در اصل توسط پدر واقف ساخته شده و رو به ویرانی بوده است اختصاص داد و علاوه بر توسعه فضای مدرسه و مسجد، مبلغ نه هزار تومان نیز برای خرید املاک و وقف آنها برای مدرسه تعیین کرده است. تاریخ وقف‌نامه چنانکه در پایان سه سجلی که در حاشیه دو صفحه اول نسخه آمده، ربیع‌الاول سال (۱۲۷۲هـ.ق) است. (خان‌محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲) از جمله شرایط مذکور در این وقف‌نامه، تعیین متولی موقوفات است که عبارت است از علی‌قلی-

امور خیریه نگهداری می‌شود. این رونوشت در سال (۱۳۲۷هـ.ق) از نسخه اصل برداشت شده است. در صفحه اول و آخر این رونوشت دفترچه‌ای، دو یادداشت ثبت این سند در «دفتر موقوفات تهران» و «دفتر وقف-نامه‌های منصوص‌التولیه» وجود دارد که دست کم ما را از وجود دو دفتر یاد شده آگاه می‌کند.

بر سر در این بنا، کتیبه‌ای سنگی نصب شده که در آن به نام واقف، رقبات موقوفه و تاریخ وقف اشاره شده است. این کتیبه به خط محمد ابراهیم تهرانی مشهور به میرزا عمو و حجاری استاد عبدالرسول حجاری است.

این مدرسه در دو طبقه ساخته شده و دارای ۲۴ حجره، انبار، دو مدرس و یک کتابخانه است. مدرسه اکنون نیز فعال است و ۳۴ طلبه دارد و زیر نظر مدرسه مروی اداره می‌شود. بر اساس نص وقف‌نامه، تولید مدرسه، اکنون با متولی مدرسه مروی، جناب آیت الله مهدوی کنی است.

در پایان صفحه ششم وقف‌نامه نوشته است که واقف تعداد نهصد و پنج مجلد کتاب و قرآن را بر طلاب مدرسه وقف کرده و شرایط استفاده از آنها را برشمرده است. کتابخانه این مدرسه اکنون نیز باقی است و نسخه وقف-نامه این کتابخانه، به تعداد ۷۱ نسخه، چاپ سنگی شده و در ابتدای همین تعداد از کتاب‌ها نصب شده است. بر ابتدای بقیه کتاب‌ها نیز وقف‌نامه‌های مستقلی نوشته و با مهر «وقف مدرسه معمارباشی طهران» مزین شده است. حدود ۶۰ نسخه خطی کتابخانه این مدرسه، اکنون در کتابخانه مدرسه مروی نگهداری می‌شود. مسجد مدرسه معمارباشی در تاریخ ۷۸/۸/۱۸ به شماره ۲۴۴۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۱، ص ۲۷)

مدرسه نظامی ناصری (سردار فیروزکوهی)

این مدرسه را میرزا کریمخان ارجمندی فیروزکوهی از سرداران نظامی عصر ناصری بنا کرده است که به صمصام السلطنه، امیرتومان، منتظم الدوله، سردار فیروز و سردار مکرم، ملقب بوده است. وی از فارغ‌التحصیلان

<sup>۱</sup> نزدیک دروازه دولت (خیابان سعدی فعلی)

در دوره قاجاریه از سلطنت آقامحمدخان تا اواخر سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۰۰-۱۲۵۰ هـ.ق) به دلایل گوناگون، (روزی به بسط قدرت و روزی به دفع دشمن خارجی)، اصلاحات تازه‌ای در جریان اوقاف روی نداد. اما با روی کار آمدن ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ.ق) وضع اوقاف بار دیگر رونق گرفت و اروپایی‌هایی که در این عصر از ایران دیدن کرده بودند، از املاک فراوان موقوفه سخن گفته‌اند. در دوره طولانی سلطنت ناصرالدین شاه، مدارس موقوفه بسیاری در تهران ساخته شد. از جمله این بناها، مسجد- مدرسه‌ها است که به غیر از مدرسه دارالفنون و مدرسه نظامی ناصری (سردار فیروزکوهی) که فقط مدرسه بوده‌اند بقیه به صورت مسجد- مدرسه بنا شده‌اند.

در میان مدارس مورد بحث این مقاله، درباره چند مدرسه از جمله مدرسه مروی، صدر، دارالشفاء و دارالفنون اطلاعات بیشتری (در مورد وضعیت وقف، اوقاف و واقفان آنها) نسبت به دیگر مدارس موجود است.

#### کتابنامه

آدمیت، فریدون، ۱۳۵۴، *امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.*

-----، ۱۳۵۶، *ناطق، هما، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دوران قاجار، تهران: بی نا.*

آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳ هـ.ق/ ۱۹۸۳ م، *الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، ج ۱۸، بیروت: دارالکتب العلمیه.*

استادی، رضا، ۱۳۷۱، *فهرست نسخه‌های خطی مدرسه مروی، تهران: انتشارات کتابخانه مروی.*

-----، بهار ۱۳۷۵، *مقاله «یادگارهای ماندگار: وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۳، ص ۴، ۴۶-۴۷، ۶۰، ۶۸-۷۰.*

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۵۷، *صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران: بی نا*

میرزا و بعد از او به فرزند ارشدش الی آخر. در عین اینکه حدود وظایف و اختیارات متولی نیز جزء به جزء بیان می‌شود. سپس به تعیین ناظر مدرسه، تعیین کتابدار، شرایط مترتب بر طلاب مدرسه، تعیین امام جماعت مسجد و مدرسه و در نهایت تفصیل مصارف مقرر برای درآمد موقوفات مدرسه پرداخته می‌شود و در پایان هم، فهرست تفصیلی کتب موقوفه به مدرسه ذکر شده که پاره‌ای خطی و تعدادی چاپ سنگی است. این کتابها برحسب موضوع فهرست شده‌اند و عنوان‌های موضوعی آنها علاوه بر فقه و اصول و صرف و نحو، حکمت، نجوم، ریاضی، تفسیر تاریخ و طب را نیز در برمی‌گیرد. مدرسه دارای یک نقشه اطلس و از وسایل نجومی، یک دستگاه کره برنجی و یک دستگاه اصطربلاب می- باشد. (همان، ۱۱۲)

#### نتیجه‌گیری

هدف در این مقاله آن بود که نشان دهد در دوره قاجار علاوه بر افراد ثروتمند و متمول، رجال سیاسی و دولتمردان حکومتی نیز با اهداف مذهبی یا سیاسی موقوفاتی نیز داشته‌اند. همچنین این نکته را بیان می‌کند که سردمداران حکومتی در همه عرصه‌ها فعالیت داشته و در وادی وقف نیز اقدامات مهمی انجام داده‌اند.

در دوره مورد بررسی این مقاله، وقف اصولاً برپایه جهان بینی الهی و بنابر تعالیم اسلام به قصد قربت الهی انجام گرفته است. بنابراین این فرض که جهان‌بینی الهی و باور به آن، اساس ایثار وقف مال است، ثابت می‌شود.

با توجه به منابع وقف در دوران قاجار می‌توان پی برد که نیات مذهبی در این دوره در میان نیات آموزشی، درمانی، امور خیریه و سایر نیات، بیشترین نسبت را دارد. نیت وقف چه مذهبی باشد چه کمک به مستمندان جامعه، چون برپایه اعتقادات مذهبی بنا نهاده شده است، واقف از طریق وقف، معتقدات مذهبی خود را حتی در زمان‌های پس از فوت خویش، حفظ و استمرار می‌بخشد.

- سحاب، ابوالقاسم، ۱۳۲۹، تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، تهران: [بی‌نا].
- سعدوندیان، سیروس، ۱۳۶۸، آمار دارالخلافه تهران: اسنادی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار مشتمل بر صورت عددخانه‌ها، [تهران]: نشر تاریخ ایران.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۴، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، تهران: آگاه.
- شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲، گنجینه دانشمندان، ج ۴، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- شمیم، علی اصغر، ۱۳۴۲، ایران در دوره سلطنت قاجار قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری، [تهران]: ابن سینا.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، بهار ۱۳۸۱، مقاله «مسجد مدرسه معمارباشی تهران»، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۳۷، ص ۲۵ و ۲۷.
- صدوقی سها، منوچهر، ۱۳۵۹، تاریخ حکماء و عرفا متاخر بر صدرالمتألهین، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- فراستخواه، مقصود، ۱۳۷۴، سرآغاز نواندیشی معاصر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- قیصری، داودبن محمود، ۱۳۵۷، [نهایه البیان فی درایه الزمان] رسائل قیصری: التوحید و النبوه و الولایه، اساس الوجدانیه، نهایه البیان فی درایه الزمان، با تعلیق و تصحیح و مقدمه جلال آشتیانی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کازرونی، عمادالدین، بهار و تابستان ۱۳۸۰، مقاله «وقف نامه مسجد مدرسه سپه سالار قدیم (تهران)، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۱۲۱-۱۲۲.
- کرزن، جورج ناتانیل کرزن، ۱۳۶۷-۱۳۴۹، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، حسین، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ، ۱۳۶۳، المآثر والآثار، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران، بی‌نا.
- ، ۱۳۶۷، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- ، ۱۳۶۷، مرآة البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۱ و ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- الگار، حامد و دیگران، ۱۳۶۲، نهضت بیدارگری در جهان اسلام، ترجمه و به کوشش محمد مهدی جعفری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- امین، سید محسن، ۱۴۰۳ هـ.ق، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
- بامداد، مهدی، ۱۳۷۸، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱، ۳، ۴، ۶، تهران، زوار.
- بلاغی، حجت، ۱۳۵۰، تاریخ تهران، قم: آموزش و پرورش.
- ، بی‌تا، تاریخ تهران (قسمت مرکزی)، تهران: بی‌نا.
- تاج‌بخش، احمد، ۱۳۸۰، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران (دوره قاجاریه)، شیراز: نوید شیراز.
- جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار، [۱۳۳۸]، نامه دانشوران ناصری در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی، ج ۳، قم: موسسه مطبوعاتی دارالفکر.
- چهارسوقی، میرزا محمدباقر، بی‌تا، ترجمه روضات الجنات، تهران: بی‌نا.
- خان محمدی، علی اکبر، بهار ۱۳۸۱، مقاله «وقف نامه مدرسه و مسجد دروازه دولت»، نشریه وقف میراث جاویدان، سال ۱۰، شماره ۳۷، ص ۱۱۲.
- دولت آبادی، یحیی، ۱۳۶۲، حیات یحیی، ج ۱، تهران: عطار: فردوسی.
- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد معارف (الف)، شماره تنظیم ۵۸۰۰۷، پاکت ۳۰۷۶.

مصاحب، غلامحسین، ۱۳۵۲، *دائرة المعارف فارسی*، تهران: فرانکلین.

مصطفوی، محمد تقی، *آثار تاریخی طهران*، تنظیم و تصحیح میرهاشم محدث، ج ۱، [تهران]: انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱.

مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، *خدمات متقابل ایران و اسلام*، قم: صدرا.

معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی (متوسط)*، ج ۴، تهران: امیرکبیر.

ملک زاده، مهدی، ۱۳۸۷، *تاریخ انقلاب مشروطیت*، ج ۲، تهران: سخن.

میرمحمدصادق، سید سعید، تابستان ۱۳۷۷، مقاله «موقوفات شیخ علی خان شفتی رشتی بر مدرسه خان مروی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۲۲، صص ۹۷-۸۳.

نجم الدوله، عبدالغفاربن علی محمد، ۱۳۵۳، *تشخیص نفوس دارالخلافة*، ج ۱، تهران: فرهنگ ایران زمین.

ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

ورنر، کریستف، زمستان ۱۳۷۸، مقاله «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، ترجمه نسیم مجیدی قهرودی، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۲۸، صص ۱۱۵-۱۱۸.

هدایت، مهدیقلی، ۱۳۶۳، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.

-----، ۱۳۶۳، *گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت*، مقدمه نویس سعید وزیری، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره.

یغمایی، اقبال، ۱۳۶۷، *مدرسه دارالفنون*، تهران: سروا.

